

کیفیت زندگی

■ با مسوولیت سر دبیر

یکی از بنیادی ترین اموری که بشر امروز به آن توجه نشان داده است مساله بسیار پر اهمیت کیفیت زندگی است، مساله ای که البته در جامعه امروزین ما به آن چندان توجهی نمی شود. کیفیت زندگی در واقع نوع و چگونگی سبک زندگی شماست در حوزه ها و شئون مختلفی مانند، آب و هوا، رفت و آمد، وقت آزاد، توجه به حقوق فردی، اجاره خانه، تفریحات و نوع آن، موقعیت مکانی زندگی و محل کار شما، ثبات اقتصادی، سامانه آموزشی و تربیتی که در آن قرار دارید، در آمد و ثبات اقتصادی، سیاستهای حکمرانی در حوزه عمومی و خانواده و سیاستهای حقوقی حکمرانی، برنامه ریزی در سلامت شهروندان و برنامه های بهداشتی و سیاستگذاری های علمی و دقیق در حوزه اجتماعی از شاخص های مهم کیفیت زندگی در دنیای امروز است. بر اساس آخرین پژوهشهایی که در سال گذشته میلادی در میان کشورهای جهان انجام شده است کانادا، دانمارک، سوئد،نروژ، سوئیس و استرالیا صاحب برترین کیفیت زندگی در دنیای امروز هستند و جالب آن است که ایالات متحده در رتبه بیستم این لیست قرار دارد و کشور ما رتبه صد و هجدهم در میان صد و پنجاه و پنج کشور مورد بررسی را داشته است. اگر چه ممکن است درباره جایگاه کشورمان در این فهرست مناقشه باشد اما آنچه که باید به آن توجه داشت آن است که در کشورهایی که در صدر جدول قرار دارند ثبات اقتصادی، آرامش و امنیت روحی، سلامت و تربیت و حقوق فردی حایز اهمیت بوده است و به این لحاظ توانسته اند جامعه ای پیشرو را سامان دهند. کیفیت زندگی می تواند نشانه ای از نوع حکمرانی در هر کشوری باشد، به این خاطر کیفیت و چگونگی زندگی را نتیجه چگونگی حکمرانی می دانند. ارتقا و پیشرفت هیچ جامعه ای اتفاقی نیست بلکه تنها با برنامه ریزی، سیاستگذاری و اجرای درست و دقیق سیاستها می تواند اتفاق بیفتد و الا با شعارهای رنگارنگ و فریفتن جامعه هیچگاه کشوری روی سعادت به خود را ندیده و نخواهد دید.



خرید آنلاین؛

آرامشی که بی صدا ما را بیمار می کند



سینمای اکسپرسیونیستی؛

دنیای سایه ها، روان و کابوس



بی مادیات برای مادیات

«سینما»

نورالدین آهی در دیدار با فعالین ستادهای پزشکیان عنوان کرد:

پزشکیان تنهاست



آقای پزشکیان از ایشان فاصله بگیرد. من در جریان انتخاب وزرا عضو شورای راهبری بودم. شخصا به عنوان یک کنشگر سیاسی معتقدم که این افراد برای رشد خودشان شورای راهبری را در مقابل ستاد قرار دادند. آن ها دکتر پزشکیان را مصادره کردند. در کدام انتخابات کمپین انتخاباتی یک کاندید پیروز این گونه نادیده گرفته می شود؟ این خواست آقای پزشکیان نبود. بلکه خواست افرادی بود که خودتان می دانید. آن ها از دکتر پزشکیان پرسیدند: مگر ستاد کاری کرده است؟ گفتند: مگر احزاب اصلاح طلب نقشی در پیروزی ایشان داشتند؟ من به عنوان کسی که از ابتدا در صحنه حضور داشت، از سختی هایی که شما کشیدید آگاهم و می دانم که اگر جناح رقیب رأی می آورد، امروز یا خانه نشین بودید و یا در کنج زندان. اگر امروز نیز خانه نشین هستید، به خاطر منافع ایران است. من ۷ یا ۸ روز پیش در جلسه ای در خدمت آقای رئیس جمهور بودم. ایشان مسئولیتی را به بنده سپردند. ایشان عینا به این نکته اشاره کردند که احزاب و تشکل ها پایگاه های اجتماعی ما هستند و گفتند: «کسانی که از روز اول به من کمک کردند را فراموش نکرده ام.

ادامه در صفحه ۲

از ما می پرسیدند: مگر آقای پزشکیان رأی می آورد؟ آیا دغدغه ما دغدغه پست و مقام بود؟ یا ما آن روز به ایران فکر می کردیم؟ سرنوشت ایران به تصمیم ما گره خورده بود. آیا ما برای دکتر پزشکیان به میدان آمدیم؟ من به جرئت می گویم خیر. ما برای آینده ایران و آینده فرزندانمان آمدیم و به این موضوع افتخار می کنیم. می دانید چرا امروز گرفتار این وضعیت شدیم؟

برخی دولت را مصادره کرده اند

مشاور رئیس جمهور در امور تشکل ها و احزاب درباره بروز برخی اختلافات در جریان اصلاحات گفت: متأسفانه بسیاری از افراد که با آمدن رئیس جمهور فرصت رونمایی از خودشان را پیدا کرده بودند، کاری کردند که کمپین انتخاباتی

حوزه سیاست به اخلاق اعتقاد دارند. در حالی که اخلاق در سیاست کشور ما ذبح شده بود. دومین ویژگی ایشان این است که همواره در جبهه مردم بوده اند و همواره در مجلس در کوچک ترین و بزرگ ترین فرصت ها از مطالبات مردم دم زدند. کدام یک از نمایندگان در جریانات سال ۱۴۰۱ با چنین صلابتی از حقوق مردم دفاع کرد؟ دکتر پزشکیان سال ۱۴۰۰ رد صلاحیت شدند. سال ۱۴۰۳ نیز پس از آن اتفاق ناگوار خدمت ایشان رفتیم. در آغاز کار تعدادمان ۷ نفر بود. با وجود تعداد انگشت شمارمان، ایمان و باور به پیروزی داشتیم. چرا که دغدغه مان ایران بود. مدتی بعد تعدادمان به ۱۰ نفر رسید. من شخصا با افراد سیاسی تماس گرفتم. بسیاری از کسانی که امروز وزیر یا مدیرکل هستند،

مهران مودنی- عصر شنبه، ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ نورالدین آهی، مشاور رئیس جمهور در امور تشکل ها و احزاب در جریان سفرش به استان گلستان، با جمعی از اصلاح طلبان دیدار کرد. در این دیدار که با حضور اعضای احزاب اصلاح طلب و فعالین ستادهای انتخاباتی ریاست جمهور در انتخابات گذشته برگزار شد، جمعی از حضار به انتقاد از دولت در انتصاب مدیران و دخالت برخی نمایندگان مجلس در این امر پرداختند. همچنین وضعیت معیشتی استان و بانوان نیز از جمله موضوعاتی بودند که مطرح شد.

بوای ایران به صحنه آمدیم

نورالدین آهی ضمن پذیرفتن بسیاری از انتقادات وارده عنوان کرد: انتقادات من از دولت به عنوان یک کنشگر سیاسی بیش تر از دیگران است. اما به عنوان مشاور رئیس جمهور، مسلماً باید به هر دلیلی از وضع موجود دفاع کنم. اما تصمیم من بر این است که مانند یک کنشگر سیاسی صحبت کنم. چرا که جنس من از جنس شماست. من به یاد دارم که سال ۱۴۰۰ یک جلسه ۳ یا ۴ نفره با دکتر پزشکیان داشتیم. من از ایشان خواستم که برای انتخابات ریاست جمهوری به میدان آیند. چرا که از چند ویژگی میرز برخوردارند که یکی از آن ها صداقت است. ایشان در

ادامه تیتراول

شده، باید آن را پس بگیریم. همانطور که سبب شدیم آقای پزشک‌یان رئیس‌جمهور شود، برای ایران نیز باید ح‌ق‌مان را از برخی افراد پس بگیریم تا میدان به نفع شعارهای رئیس‌جمهور و منافع ملت تغییر کند.

تعدد احزاب یک معضل است

مشاور رئیس‌جمهور ادامه داد: یکی از آفت‌هایی که آقای بهزادیان نیز به آن اشاره کرد، تعدد احزاب است. اگر ما بخواهیم به یک دولت حزبی برسیم، باید تعداد احزابمان انگشت‌شمار باشد. خیلی از دوستان به ما مراجعه کردند و خواستند که دولت حزبی به نام رفاه را تأسیس کند. بنده یکی از مخالفین جلی این ایده هستم. دولت نباید حزب تأسیس کند. بلکه باید از احزاب حمایت کند. ما کارگزاران، مشارکت، حزب آقای رئیسی و آقای احمدی‌نژاد را دیدیم، احزاب نباید از بالا

بلکه شرایط آنچنان سخت و تنگ و تار شد که بین من و دوستانم فاصله افتاد. امروز باید تلاش کنیم از این فاصله کاسته شود.» من اعتقاد دارم که گله‌مندی‌ها از سر دلسوزی است و شخصا بر این باورم که قدرت سهم احزاب و تشکلات است. احزاب به همین خاطر وارد عرصه سیاست می‌شوند. ما باید قدرت بگیریم که شعارهای رئیس‌جمهور را اجرا کنیم. آنان که به شعارهای ایشان اعتقاد ندارند، نمی‌توانند برای موفقیت دولت تلاش کنند. مگر انتخابات این است که ما برای پیروزی یک کاندید تلاش کنیم و بعد خانه‌نشین شویم؟ ما این نهال را کاشتیم و باید برای حفظ آن از خودگذشتگی کنیم. اگرچه که گله‌مندیم، اما نمی‌گذاریم این نهال را خم کنند.

گلستان را در سطح ملی مطرح کنیم

آهی با تأکید بر ظرفیت‌های انسانی استان گلستان اظهار داشت: من به یاد دارم که در دوران دانشجویی‌ام آقای مهمانی یکی از شهرداران و همکاران موفق آقای کرباسچی بود. ایشان در یکی از جنوبی‌ترین و سیاسی‌ترین مناطق تهران شهردار بودند. منطقه ۱۶ جولانگاه جریان‌ات سیاسی بود. آقای مهمانی یک فرد ملی است. ما باید دست به دست هم دهیم تا استان گلستان مانند قبل در سطح ملی تأثیرگذار باشد. من به عنوان یک کنشگر سیاسی از شما می‌خواهم که دلسرد نشوید. چرا که تازه یک سال و چهار ماه از آغاز کار دولت گذشته است. ما باید در مقابل کسانی که این دولت را مصادره می‌کنند بایستیم و دولت را جذب کنیم. این دولت و وزیرایش ممکن است دچار اشتباه شوند. دلیل هم دارد. در نظر بگیرید که دولت آقای پزشک‌یان در شرایط جنگی و با وجود ناترازی‌ها و مشکلات اقتصادی به میدان آمد. اگرچه که وفاق شعار ما بود، اما منظورمان این نبود که دولت یک شرکت سهامی است. وفاق به معنای استفاده از شایستگیان و متخصصان جریان‌ات گوناگونی است که شعارهای رئیس‌جمهور را قبول دارند. اگر بنا بود که وضع به منوال پیشین باشد و نمایندگان مجلس تصمیم‌گیرنده باشند، پس ما چرا در انتخابات شرکت کردیم؟ ما باید در صحنه بمانیم و با این برخوردهای صحیح مخالفت کنیم. ما لیدرهای سیاسی و افراد تأثیرگذار جامعه هستیم. مگر یک فرد سیاسی دلسرد می‌شود؟ در حق ما ستادی‌ها جفا کردند. اما این موضوع راه حل دارد. همانطور که آقای حجابیان می‌گفت: فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا. اگر امروز ح‌ق‌مان ضایع

به پایین انتخاب شوند. یکی از افتخارات دولت چهاردهم این است که حزبی را از بالا تعیین نمی‌کنیم. احزاب باید از پایین به بالا تشکیل شوند. هرگاه چنین اتفاقی بیفتد، احزاب می‌توانند ما را مورد پرسش قرار دهند.

از دولت دفاع کنیم

آهی در ادامه به دفاع از برخی اقدامات دولت پرداخت و گفت: اما چرا از دستاوردهای دولتی که خودمان ایجاد کردیم دفاع نکنیم؟ مگر همیشه قرار است نقد کنیم؟ در این دولت اتفاقات بزرگی نیز افتاده است. چرا به آن‌ها افتخار نکنیم؟ کدام دولت در مسئله طرح عفاف و حجاب می‌توانست این‌گونه پای مردم بایستد؟ همچنین در مسئله انتصاب استاندارها و تفویض اختیارات آن‌ها، ما باید افتخار کنیم که برای اولین بار وحدت و انسجام ملی به واسطه این دولت اتفاق افتاده است. در دولت آقای پزشک‌یان برای اولین بار در تاریخ

نظام جمهوری اسلامی یک استاندارد بلوچ برای استان سیستان بلوچستان انتخاب شد. امروز شهروندان عرب شاهد روی کار آمدن یک استاندار عرب هستند. در استان خوزستان یک جوان عرب گریه می‌کرد و از من می‌خواست از دکتر پزشک‌یان تشکر کنم. این جوان به من گفت از این رو که برای اولین بار یک استاندار عرب انتصاب شده، تازه احساس می‌کند که یک شهروند درجه یک است. بخش‌هایی از بحث رفع فیلترینگ نیز طی شده است. دکتر پزشک‌یان در جلسه هفته پیش در مورد فیلترینگ گفت که خدمت حضرت آقا رفته و با انجام مباحثی، عنوان کرده که فروش فیلترشکن‌ها خلاف شرع است. ایشان خبر دادند که به زودی چندین پلتفرم رفع فیلتر خواهند شد. اگرچه که ما هم گله‌مندیم، اما باید نقاط قوتمان را نیز ببینیم و صدایمان را برای نقاط ضعفمان رسا کنیم. اگر بناس‌ت که مسیر



درستی را طی کنیم، حضور همه شما در صحنه لازم است. عقب‌نشینی ما خیانت به ایران است. اگرچه که گله‌مندیم، اما برای یاری دکتر پزشک‌یان دست به دست هم می‌دهیم. امروز آقای پزشک‌یان بنا به هر دلیلی تنه‌است. خواهش من این است که ایشان را تنها نگذاریم.

نمایندگان در انتصاب مدیران دخالت نکنند

وی در پاسخ به انتقادات تعداد زیادی از حضار درباره دخالت نمایندگان مجلس در امور اجرایی عنوان کرد: ببینید چقدر برخی از این نمایندگان مجلس احساس قدرت می‌کنند که یک نماینده چهاردرصدی می‌گوید دیگر باید انتخابات را تعطیل کنیم. اتفاقاً چون ما به نظام جمهوری اسلامی اعتقاد داریم و مبنای این حکومت را رأی مردم می‌دانیم، باید در مقابل او بایستیم. اگر ما در صحنه حضور نداشته باشیم، امور در اختیار آن‌ها

قرار می‌گیرد. بسیاری از همین نمایندگان که در عزل و نصب مسئولین دخالت می‌کنند، داعیه ولایت‌مداری دارند. مقام معظم رهبری همواره بر تفکیک قوا تأکید می‌کنند. مجلس نباید حق دخالت در حوزه اجرایی را داشته باشد. مجلس دو وظیفه بیش‌تر ندارد. یکی از این وظایف قانون‌گذاری و دیگری نظارت است. نمایندگانی که در عزل و نصب مدیران به وزرا و استانداران فشار می‌آورند، قطعاً به ایران و نظام جمهوری اسلامی خیانت می‌کنند. کافی است یک‌بار در مقابل نمایندگان کوتاه بیاییم. دنباله‌اش پی گرفته خواهد شد. این موضوع به وزیران نیز گفته شده است. ما به جد در مقابل این دسته از نمایندگان ایستادگی می‌کنیم.

منطقه اقتصادی ایران و ترکمنستان

مشاور رئیس‌جمهور درباره ظرفیت ناشی از تنوع قومیتی در گلستان گفت: ایران رنگین‌کمانی از اقوام است. دکتر پزشک‌یان بارها تأکید کرده‌اند که هر قوم یک فرصت است. پیش از اینکه به گلستان بیایم، خواستیم که حتماً با ترکمن‌ها یک جلسه ویژه داشته باشیم. وقتی ۹۵ درصد از یک روستای ترکمن‌نشین به آقای پزشک‌یان رای می‌دهند، حتماً باید به آن‌ها توجه داشته باشیم. پیشنهاد ایجاد یک منطقه ویژه اقتصادی مشترک بین ایران و ترکمنستان جهت استفاده از پتانسیل‌های مرزی را حتماً به ریاست‌جمهور منتقل خواهیم کرد. عدم استفاده از هموطنان ترکمن در پست‌های مدیریتی را نمی‌توان کتمان کرد. نظر من این است که حداقل یک ترکمن باید در سطح ملی حضور داشته باشد. حتی نه در قامت مشاور، بلکه به عنوان معاون وزیر یا مدیرکل. البته شرطش این است که فرد شایسته‌ای به ما معرفی شود.

به جوانان و زنان میدان دادیم

وی در نهایت عملکرد دولت در میدان دادن به جوانان و زنان را زیر ذره‌بین برد و اظهار داشت: یکی از افتخارات دولت چهاردهم ایجاد شورای راهبری است. برای اولین بار فرصتی ایجاد شد تا بسیاری از جوانان، نخبگان و اندیشمندان که خودشان را در منصب وزارت کارآمد می‌دیدند، به شورای راهبری مراجعه کنند. هرچند که مکانیزم تعریف‌شده ما سبب شد تا بسیاری از آن‌ها کشف نشود؛ اما برای اولین بار در نظام جمهوری اسلامی یک دانشمند جوان به‌عنوان وزیر اقتصاد انتخاب شده است. این یک دستاورد قابل توجه است. اگرچه که باید به‌صورت مستمر صورت بگیرد. همچنین سخنگوی نهاد ریاست‌جمهوری و چندین تن از مشاورین دکتر پزشک‌یان در دولت چهاردهم از بانوان انتخاب شدند. همچنین یک وزیر زن نیز در این دولت منصوب شد. اکنون که در سطح ملی به چنین مرتبه‌ای رسیده‌ایم، باید برای احقاق حقوق زنان در سطح استانی نیز تلاش کنیم.

جذب و تربیت شایسته ترین‌ها برای دو قوه اجرایی و تقنینی است. اصلاح و سالم سازی نظام انتخاباتی هم بسیار ضروری است. انتخاباتی که با انصاف کامل برگزار گردد، خود به خود ورود ناشایستگان به عرصه قانونگذاری را به حداقل می‌رساند. راه کار ممکن سوم به کم و کیف قانون گذاری مربوط است. نمایندگان هر چقدر هم شایسته باشند، نمی‌توانند همه تمایلات، علایق و منافع درهم تنیده، متنوع و ضد و نقیض جامعه را بشناسند و همه آنها را در عرصه قانونگذاری در نظر بگیرند. بنابراین، مجلس موفق، باید تنها به قوانین ضروری بسنده کند و از تصویب قوانین بیشتر دوری جوید. همچنین قوانینی را تصویب کند که بیشترین آزادی‌های اجتماعی را برای عموم مردم در بر داشته باشد. به هر حال، قانونی سازی بیشتر حوزه‌های زندگی، در عمل به معنای محدود کردن ظرفیت جامعه خواهد بود. قانون گذاری بیشتر، به ویژه در حوزه اقتصاد، به جای خدمت به رشد و توسعه در جهت رکود و ناتوانی اقتصادی عمل خواهد کرد. به لحاظ کیفیت هم قانون گذاری باید به گونه ای صورت گیرد تا حوزه عمومی و حوزه خصوصی گسترش پیدا کند و دامنه دخالت دولت در این دو حوزه کاهش یابد.

استاد علوم سیاسی دانشگاه

و تجربه تخصصی کافی برخوردار نیستند. همچنین، بخش قابل توجهی از نمایندگان، بر اساس منافع و علایق خود یا حامیان خود قانون گذاری می‌کنند و از نمایندگی منافع ملی ناتوان‌اند. فلسفه قانون گذاری در عصر جدید، از یک سو، حفظ آزادی‌های ذاتی، غیرقابل سلب و مشروع شهروندان، و تأمین ضمانت قانونی عدم نقض این حقوق از سوی حکومت، افراد و گروه‌های قدرتمند در جامعه، و از سوی دیگر تصویب قوانینی در راستای حفظ نظم، و زمینه سازی برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است. هر چند قانون برای نظم و امنیت جامعه لازم است، اما، مهم‌تر از آن قانون باید برای حفظ انواع آزادی‌ها عمل کند. با این حال، اغلب، نمایندگان مجلس نمی‌توانند در مقام قانون گذاری از عهده این کار سنگین با موفقیت بیرون آیند. گاهی با قانون‌های فراوان، جامعه را به شدت اداری سازی (بروکراتیزه) می‌کنند، گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در انواع تنگناها قرار می‌دهند. گاهی با تدوین قوانین نادرست فرصت‌های موجود را از بین می‌برند. گاهی قانونی سنت‌های حسنه در جامعه را متزلزل می‌کند. چه بسا قانونی، در مقابل افکار عمومی و در مواردی با عرف‌های نیکو و جاف‌افاده در تعارض قرار می‌گیرد. یکی از راه کارهای برون رفت از چالش‌های قوه مقننه، بناکردن حکمرانی بر نظام حزبی است، چرا که مهم‌ترین کارویژه احزاب، شناسایی،

حکومتی از سه قوه اجرایی، قضایی و تقنینی تشکیل شده است. کم و بیش، در همه نظام‌ها، دو قوه قضایی و اجرایی، از نیروهای انسانی متخصص تشکیل شده‌اند. قضات و حقوق دانان با تجربه، دو رکن اساسی قوه قضایی را تشکیل می‌دهند. مجموعه‌ای از فن سالاران در حوزه‌های مختلف صنعتی، تجاری، راه و ترابری، معدن، امنیت، اطلاعات، سیاست گذاری داخلی و خارجی، آموزش و پرورش، علوم و فن آوری، و دیگر حوزه‌های تخصصی، اساس قوه اجرایی را فراهم آورده‌اند. در مقابل، قوه مقننه، به شدت، از جهت شایستگی‌های کافی و لازم نمایندگان انتخاب شده، دارای کمبود است. نمایندگان ملت که وظیفه سنگین قانون گذاری را به عهده دارند، اراده تقنینی آنان، از یک جهت، باید بتواند بازتاب دهنده اراده‌های بسیار متنوع فرهنگی و اجتماعی، منافع گروه‌های خاص کوچک و بزرگ، و منافع عمومی جامعه باشد. از جهت دیگر، همزمان قوانین مجلس باید با عقلانیت تخصصی حاکم بر قوه مجریه و فضائیه تناسب داشته باشد. آنچه در عمل بروز می‌کند این است که کنش گری تقنینی نمایندگان مجلس، نه توانایی بازتاب دهنده اراده عام و خاص ملت را دارد و نه با انتظارات موجود در دو قوه دیگر هماهنگ است. آنان در عمل، به چند دلیل نمی‌توانند نقش درست و خردمندانه ایفا کنند. بسیاری از آنها، به اندازه کافی از آگاهی، علم

بزرگ‌ترین ناترازی



محمود شفیعی

موفقیت یک کشور در رسیدن به اهداف حکمرانی، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، به هماهنگی اجزای گوناگون و پیچیده نظام سیاسی وابسته است. مهم‌ترین ابزار هر دولت، برای دستیابی به هدف‌های اقتصادی و سیاسی، نهاد حکومت است. هر

کروکدیل تنها

شهرداری تنها میدان شهرداری است!

شهرداری گرگان در اقدامی مجاهدانه موفق گردید در مسیر خدمت رسانی صادقانه میدان شهرداری گرگان را ششم بزند. از بهسازی ساختمان شهرداری تا کف سازی پیاده روهای دور میدان و از همه مهمتر حذف پل های هوایی نیمه مکانیزه از اطراف میدان، همگی از اقدامات برجسته شهرداری گرگان در مدیریت جدید این دستگاه خدمت رسان است. دوست اندیشمندی به بنده رسید و سوالی مطرح کرد که ذهن بشریت را از آن لحظه آزاری شدید داده و می دهد؛ حقیقتاً آیا شهر گرگان جایی جز میدان شهرداری نیست که شهرداری در مسیر بهسازی، آن را ششم بزند؟! بر اساس آمارها شهر گرگان قریب به ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت استان را در خود جای داده است و خدمت رسانی به این ۴۰۰ هزار نفر از وظایف شهرداری است و در هیچ کجای قوانین و مقررات نیامده که وظایف شهرداری تنها در مقابل ساختمان شهرداری متوقف می شود! البته شهرداری اهتمام ویژه ای در مسیر خدمت رسانی به مردم دارد و هرگز گمان نشود که در زمان ساخت محله ای همچون چناران بدون هیچ گونه ضابطه شهرسازی، شهرداری در خوابی عمیق بوده و یا در تاریکی و ظلمات محض پیاده روهای ناهارخوران که مسافران را مجبور به استفاده از چراغ های ماشین کرده بود، شهرداری به روشنایی کدام بخش شهر می اندیشید و یا در هنگام توجه به پیاده روهایی که موزاییک های آن متعلق به دوران اولیه تمدن بشری است، دقیقاً شهرداری کجا تشریف دارد و یا زمانی که لوله ی آبی متعلق به فضای سبز شهرداری می ترکد و شهروندان پیگیری می شود اما اتفاقی رخ نمی دهد، دقیقاً شهرداری کجاست و یا در شرایطی که ایستگاه های اتوبوس میدان شهرداری از دوره اول زمین شناسی تا به امروز، چنین شکل و شمایی داشته اند و به هیچ عنوان در مکانی مناسب برای انتظار شهروندان طراحی نشده اند، شهرداری به کدام پروژه مشغول است. مبلان شهری گرگان نه تنها برای گردشگران بلکه برای شهروندان نیز هیچ گونه جذابیت بصری ندارد و البته شهرداری نیز همچون موزاییک فرش مقابل ساختمانش چنین دغدغه را ندارد. مناسب سازی معابر برای افراد توانخواه، ترافیک دیوانه کننده خیابان های گرگان، روشنایی معابر تاریک و ظلمانی، عدم وجود مراکز تفریحی و خرید، عدم وجود بازارهای وسیع میوه و تره بار، عدم توجه به ساخت و سازهایی که تا چند سال دیگر موجب قفل شدن کامل خیابان های گرگان می شود و هزاران مورد دیگر نشان می دهد که شهرداری به این باور رسیده که شهر تنها همان میدان شهرداری است! حقیقتاً کمال قدردانی از شهرداری را برای مدیریت خردمندانه در همان میدان شهرداری مورد توجه آقایان داریم که خطوط عبور نابینایان را بگونه ای طراحی کرده اند که شهروند نابینای ما، سر از دیوار و یا دهان شیر مقابل بانک ملی در می آورد! البته اینجا همه نشان از مدیریت هوشمند شهر گرگان دارد که بعد از شهر بورلی هیلز به عنوان هوشمند ترین شهر دنیا شناخته شده است که به تعبیر بنده باید لقب هوشمند ترین مدیران شهری را نیز از آن خود کند تا حق مطلب آنچنان که باید و شاید اعمال گردد.

که به زودی شاهد کلنگ زنی برای یکی از مهمترین پروژه های بزرگ و مهم گنبد که بار ترافیک سنگین را به شدت سبک می کند، خواهند بود. شهروندان با سوالات متعدد در خصوص چگونگی عدم کلید خوردن این پروژه ی مهم خواهان شفاف سازی آن از سوی شهرداری و شورای شهر شهرستان گنبد می باشد. سوالی که بی جواب مانده این است که چگونه طرحی در صحن شورا و شورای ترافیک شهرستان و استان به تصویب می رسد و برآورد هزینه می شود و محل تامین بودجه آن نیز دیده شده، همچنان ابرم مانده است! اما امروز شاهد هستیم که شهرداری و شورای شهر آزادشهر در جهت رفع مشکلات ترافیکی شهروندان خود مقدمات طرح زیرگذر را آماده کرده اند و پروژه اپاتان با سرعت به پیش می رود. ولی طرحی که سالیان متمادی از نیازهای شهروندان شهرستان بزرگ گنبد می باشد همچنان بی سرانجام و روی دست مانده است. در پیگیری های انجام شده از سوی شورای شهر و شهرداری گنبد در خصوص چرایی توقف و عدم اجرای این پروژه به پاسخ روشن و شفافی دست نیافتیم. امیدواریم که امیرعلی لطیفی شهردار جوان و ساعی و متعهد شهرستان گنبد و شورای شهر به خصوص حسام محمدی سخنگوی جوان این شورا صادقانه وضعیت اجرای این پروژه را شفاف سازی کنند که آیا احداث این پل در سال جاری کلید خواهد خورد، یا خیر؟ و اگر موافقی هم پیش پای احداث این طرح مهم و بزرگ وجود دارد در نشست صراحتاً در اختیار رسانه های شهر قرار گیرد.

فعال رسانه های

پروژه احداث پل روگذر میدان امام علی گنبد کاووس و تأکید مسئولان شهری بر اولویت این طرح در کاهش ترافیک ورودی شهر، هنوز اقدام عملی مشخصی در این زمینه صورت نگرفته است. این در حالی است که طبق اظهارات سخنگوی شورای اسلامی شهر، مطالعات فنی و مصوبات شورای ترافیک شهرستان و استان به پایان رسیده و بودجه ای معادل ۴۵۳ میلیارد تومان برای اجرای این پروژه برآورد شده است. شهروندان گنبدی اکنون خواستار شفاف سازی وضعیت این طرح از سوی شهرداری و شورای شهر هستند. در اولین جلسه سخنگوی شورای شهر گنبد در نشست با اصحاب رسانه برنامه های عمرانی آینده شورای شهر را به تفسیر به اطلاع اصحاب رسانه رسانید که به نظر مهمترین پروژه آن احداث پل روگذر میدان امام علی بود. حسام محمدی در این نشست بیان کرد: جهت روان سازی ترافیک شهرستان اولویت طرح های عمرانی اجرای این طرح بزرگ و با اهمیت است که مطالعات این پروژه به پایان رسیده و مصوبات آن از شورای ترافیک شهرستان و استان نیز اخذ شده و میزان بودجه مورد نیاز این پروژه بسیار مهم ۴۵۳ میلیارد تومان برآورد شده بود. وی افزود: در مرحله انتخاب پیمانکاران هستیم و مشاوری که در کنار شهرداری برای اجرای این پروژه حضور دارد شرکت رهیاب میلاد گلستان می باشد. محمدی زمان و مدت اجرای این طرح را ۹ الی ۱۲ ماه اعلام کرد. از آن جلسه تاکنون ماه ها می گذرد و ما همچنان شاهد ترافیک بسیار سنگین در میدان ورودی شهر یعنی میدان امام علی هستیم. با توجه به توضیحات سخنگوی شورای شهر و تأیید رئیس دوره ای شورای شهر مردم امیدوار بودند



ابهام در سرنوشت احداث پل روگذر میدان امام علی گنبد کاووس



محمود رحیمی

با وجود گذشت چند ماه از اعلام آغاز عملیات اجرایی

برگزاری بین المللی جشنواره اقوام در گلستان با حضور سه کشور آسیای مرکزی

هدایت ۲۴ کشور را برعهده دارد تا از ظرفیت های میراث زنده خود در راستای توسعه پایدار، بهبود اقتصاد معیشتی و رونق صنعت گردشگری بهره ببرند. فعالی خاطر نشان کرد: در این جشنواره در کنار معرفی آداب و رسوم اقوام مختلف استان، صنایع دستی گلستان و سراسر کشور نیز به نمایش گذاشته می شود. وی با تأکید بر نقش این جشنواره در رونق گردشگری و تعاملات فرهنگی بین المللی گفت: جشنواره اقوام ظرفیتی ویژه برای معرفی فرهنگ بومی، تقویت دیپلماسی فرهنگی و توسعه گردشگری استان به شمار می رود و تلاش ما برگزاری باشکوه و درخور شأن این رویداد است.



فرهنگی و قومی استان گلستان خواهد بود. این مرکز به عنوان مرجع منطقه ای یونسکو در آسیای غربی و مرکزی،

مطالعات منطقه ای پاسداری از میراث ناملموس در ایران برگزار می شود و فرصتی ارزشمند برای معرفی تنوع

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان از برگزاری جشنواره اقوام ایران زمین در آذرماه خبر داد و گفت: این رویداد فرهنگی امسال به صورت بین المللی برگزار می شود به گزارش روابط عمومی، فریدون فعالی اظهار کرد: امسال از هجدهم تا بیست و یکم آذرماه، هفدهمین دوره جشنواره اقوام را به صورت بین المللی برگزار خواهیم کرد و این جشنواره امسال با حضور مهمانانی از کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان همراه خواهد بود. در این رویداد شب های فرهنگی ویژه برای هر یک از این کشورها تدارک دیده شده است. وی افزود: این جشنواره با همکاری مرکز



آگهی مناقصه عمومی



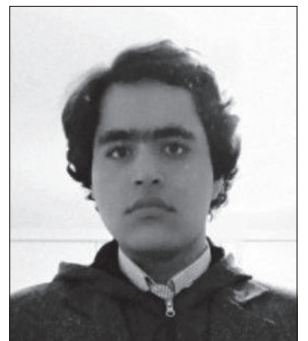
شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به تهیه و نصب اسکلت و فونداسیون آسانسور ۲۱ نفره و ۱۷ نفره در شهر بازی هزار پیچ (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۴۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) به شرکت های دارای گواهینامه پروانه طراحی، مونتاز از اداره صنعت و معدن و تجارت با حداقل ۸ نفر نیروی بیمه شده در تامین اجتماعی و همچنین با سابقه ی اجرا در نصب و راه اندازی حداقل ۱۰ دستگاه آسانسور بالای ۱۷ نفره به همراه گواهی نامه استاندارد اخذ شده از محل کد پروژه ۶۰۵۱۰۱ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا شرکت های واجد شرایط می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ لغایت مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مجید طاهری - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۲۰۲۳۹۸۰



بی‌مادیات برای مادیات



محمد صالح فصیحی

که در فیلم کم نیست، حدود دو ساعت وقت داری، همیشه هم که داری حرف میزنی، حتی اگر میخواهی دیالوگ محور و مثلاً هنری - بلانست هنر و هنری - فیلم را جلو ببری، اقلاً در دیالوگ ها و به شکل زیرمتن و نه صریح و علناً خودت را به ما نشان بده و هری را و جان را. سه نفر که بیشتر نیستید. حتی در مثلث هم نیستید. تو اول میروی با هری و بعد میروی با جان. تنها سودکننده ی این وسط خودتی که هم با آن هری پولدار بودی و هم با عشق و عاشقی جان. و الا خودت که هیچی نداری. حتی زیبایی نداری. دماغت عملی است و سینه هات پروتز. میگوئی که سرمایه گذاری کردی رو خودت. درست است؟ خب اگر قرارست میل افراد را به زیبایی و جراحی برای زیبایی جسمانی بگویی- نشان دهی، اقلاً چهارجا برای این صحنه بیاور، یک متن، یک عکس، یک خرده ی خرده ی خرده داستان درین ناداستان بیاور. اگر از کسی بپرسند لوسی درباره چیست، میگوید دختری اول در ذهنش هست که باید با مردی پولدار ازدواج کند تا خوشبخت شود و بعد می‌فهمد عشق مهم است و پول نه و اگر بگویند چطور به این درک رسید نه کسی جوابی دارد نه فیلم ازش نمایی دارد. ما میتوانیم مثل من هزارتا حرف و بحث راه بیندازیم درباره ی عشق در زمانه سرمایه‌داری و قرارداد و معامله و معادله و نفس عشق و تعریف عشق و احوال بودن و آتشی که هرگز نمیرد و چگونگی روابط عاطفی در دنیای مدرن و علل و عوامل اینگونه مفاهیم و تعبیر. ولی اینها چیزهایی است که ما صرفاً از چهارتا دیالوگ یا صحنه ی خام درآورده‌ایم و خود فیلم دستش از هر هنر و مفهوم و معنا و زیبایی‌ای تهی است. انگار که بخوایم کرور-کرور درس و مقاله از سربالی مثل پدر(حامد عنقا) یا هفت‌سر اژدها(ابوالقاسم طالبی) یا یاور(سعید سلطانی و آرمان نعیمی) دریاوریم. ولی بحث ما هنرست و شعر و داستان و فیلم و سیاست. آنچه که نمیشود باهاش ما را بخرند و به جاش میفروشند: تموم تعهداتم رو گشتم به جز هنر، نمیشد بخرنم، میفروختن - بوسه ی یهودا، سورنا. هنر، هنر، هنر: تیر خلاص تو سر بدخواه!

فرم؟ خیر. شخصیتها فقط حرف می زنند. هیچی به هیچی. ما هیچی از هیچکی نمی دانیم. حتی یک صحنه ی قشنگ در فیلم نداریم. حتی اتصال دو سکانس به یکدیگر مسخره است. حتی ایده ی مچ کات انگار به ذهن کارگردان-نویسنده خطور هم نکرده است. در اوایل فیلم لوسی و جان - کسی که قبلاً باهاش تو رابطه بوده - دوباره همدیگر را میبینند و در ماشینند و یکهو داستان فلاش یک میخورد و میروند به یک دعوا در رابطه ی لوسی و جان آن هم در آن قبلاً زمان حال داستان شب است و داخلی، تو ماشین و بی ترافیک خیابان. و فلاش بک روز است و داخلی-خارجی و وسط خیابان و ترافیک. می شد جفت حال-گذشته را شب کرد و جفت را ترافیک و جفت را با در یا یک دیالوگ خاص یا یک موزیک از ضبط ماشین یا یک نور چراغ از ماشین جلویی یا عقبی یا هر مدل دیگری به هم پیوند داد و زیبایی-انسجام به نسبه ای در فیلم آورد. ولی یکهو فیلم می پرد، بدون اینکه هیچ جای دیگر جامپ کات بیاید و حتی بدون اینکه یک جای دیگر این فیلم یک ساعت و پنجاه و چهار دقیقه ای، فلاش بک بیاید. حتی از نوع ذهنیت و تشکیل شخصیت لوسی که شخصیت اصلی است ما هیچ اطلاعاتی نداریم. نداریم و نمیدانیم که چرا همچو حرفهایی را میزند و چرا اینطوری است. باز شخصیت جان ساده است و عاشق است و کورست و کر. با هر دلیلی میشود نپرداختن بهش را توجیه کرد. ولی لوسی نه. ولی هری نه. ولی این انسان های نخستینی را که اول و آخر فیلم هستند، نه. خب که چی الان فیلم با غارنشین ها شروع میشود؟ تغییر شخصیت و تاکید بر بار کلام مضمون در فیلم است که غارنشین ها را در فیلم موجه میکند؟ قرارست برسیم به اینکه عشق را نمیتوان خرید و علت عاشق ز علتها جداست و عشق اسطرلاب اسرار خداست؟ والا هیچ هیچ هیچ منطقی در تنها نقطه عطف فیلم، در دقیقاً وسط فیلم، دقیقه ی شصت، نیست که لوسی را تغییر میدهد یک شبه و کل ذهنیت و دیالوگ هاش را حتی در آن شرکت همسریابی عوض میکند. چطور تو اینگونه تغییر کردی؟ تو کی‌ای-چی‌ای؟ زمانت

کافه-رستورانی بنوشم، در چه ماشینی جاده را بدوزم، و در چه خانه‌ای بپوشم؟ همه‌ش باید بهتر باشد و بهترین نوعش. مرد هم همینست و بی‌حس است و بی‌عشق و رسماً زن را خریداری می کند. برده‌داری نوین. روسپیگری قانونی. و برده‌داری نه از سمت مرد بر زن و زن بر مرد، که از سمت قدرت است و ثروت. پول: بزدل‌ها می‌رفتن دنبال پول، پول یعنی اسلحه با پوکه‌های آرزو - سورنا، گوزن، نه می‌میرم نه برمی‌گردم. لوسی همچو نگاهی دارد. مرد یا زن، نه به‌ماهو زن یا مرد توامان ویژگی‌های منحصر به فرد و شخصی‌ش بلکه با معیارها و ملاکها دسته بندی میشود. یکی قدش فلان است و درآمدش فلان و بیمه دارد یا نه و سفیدپوست است یا سیاه یا آسیایی یا آسیای دندانش اینست و اینست ماشینش و شین‌ش را بد تلفظ میکند و برایت هموار میکند جوانی تا پیری‌ت را و ریه‌ت را سیاه میکند از دود سیگار و سیگاری‌ست این آقا یا خانم. حواست هست؟ نه حواست نیست جناب ۲۴ یک سری دیالوگ و یک سری صحبت الکی. یک فیلم بی‌هیچ اتفاق علنی. فیلم شما کلاً یک نقطه عطف دارد و آن هم نقطه عطف نیست. این جمله را هم برین وزن-لحن بخوانید که: کل اکیپتون په پرونده داره... - دل‌قک، شاپور، و البته فقط ۲۴ دخیل نیست در سرمایه گذاری برای مادی‌گرایان. چندین و چند موسسه-کمپانی دیگر هم هستند که با کلی لوگو و اسم و نشان شروع مزخرف فیلم را مزین می کنند. علد راست گفت-میگوید. مادی‌گرایان همان فیلم‌فارسی است. مادی‌گرایان نه لوسی، نه مثلث نامثلث عشقی فیلم، نه شرکت همسریابی، نه هیچ احدی از افراد فیلم و اشیای فیلم نیستند. مادی‌گرایان کارگردان است و بازیگران و سرمایه‌گذاران. که به دنبال گیشه اند فقط انگار. والا این اسامی کمپانی‌ها تا پیش ازین سازنده ی فیلم‌های خوبی بودند. ولی جدیداً انگار خوبی هم زود از دست می رود. می‌گن خوباً زود میرن - هیچکس، مجاز، چرا نمی‌میری؟ خب بله. زود می‌روند. زود می‌روند سر اصل مطلب. فکر کردید یک درصد مطالبی را که در ابتدای متن گفتم، در فیلم نشان می دهد به فرم و درستی و درستی

کمپانی فیلم‌سازی ۲۴. سازنده ی فیلمهایی چون میدسامر، تراژدی مکبث، فانوس دریایی، مردان، لیدی برد، و حالا ماتریالیست‌ها. مادی‌گرایان. چرا و به چه دلیل اینست اسمش خودشان میدانند و خودشان. خودشان که نقش بامبل را بازی می کنند و گروه های ازدواج موقت و صیغه و متعه در زبان اسلامی. خودشان که همان خانم‌جلسه‌ای ما هستند به شکلی جدید. نوین. تو عصر جدیدیم. همه‌چیز مدرن همه‌چیز پولی، ما این‌جا مارکسیم و هابزیم و لاک‌ایم. حتی تری. ایگلتونیم در لباس رانفی پور. طرح ساده‌سازی مفاهیم ازلی و ابدی. عشق و ازدواج و یک عقد کلاسیک. راه‌اندازی شرکت همسریابی. نهاد نمایندگی در دانشگاه‌های آزاد و دولتی، با بودجه‌ی خصولتی، در نیویورک سرمایه‌داری. در جستجوی عشق از دست رفته. جهان، جهان سرمایه‌داری. کاپیتالیسم. دختری هست به اسم لوسی. که پس از پنجاه طیف خاکستری در تلاش است برای پائندازی. بی‌اغراق و دقت ادبی هم می‌گویم این را. خانم عشق را نمی بیند و ازدواج را معادله و معامله می خواند. مرد در ازدواج به سوی سودش می رود و زن هم. مرد اندام می خواهد و سن پایین و جذابیت جنسی، و زن قد و پول و شغل خوب و پول و پول و پول. شاه‌کلید خط یازده زن است. پول است که تماماً در ذهنش رژه می‌رود. من چه لباسی بپوشم، در چه

سینمای اکسپرسیونیستی:

دنیای سایه‌ها، روان و کابوس



سارینا صادقی

در فیلم *The Cabinet of Dr. Caligari*، شهر خیالی *Holstenwall* مثل نقاشی کابوس‌وار است. ساختمان‌ها انگار در حال سقوط‌اند، سایه‌ها نقاشی‌شده‌اند، و پنجره‌ها شبیه زخم‌اند. جالب است بدانید که این سایه‌ها واقعی نبودند - نقاشان مستقیماً آن‌ها را روی دکور کشیده بودند. یعنی حتی سایه‌ها دروغ بودند، نه بازتاب نور بلکه بازتاب روان.

۲- نور و سایه؛ بازی با ذهن

در سینمای اکسپرسیونیستی، نور نه فقط برای دیدن، بلکه برای بیان است. نور و سایه شخصیت دارند. گاهی چهره‌ی یک کاراکتر نصفه روشن است، نصفه در تاریکی. این دوگانگی نماد درون انسان است: خیر و شر، عقل و جنون. برخی از سایه‌ها، آن‌قدر تند و کج‌اند که انگار دارند حرکت می‌کنند. در *Caligari*، نور نه از منبع واقعی بلکه از تخیل می‌آید. جهت نور بی‌منطق است - چون قرار نیست منطق داشته باشد. هدفش این است که بیننده احساس کند وارد ذهنی بی‌ثبات شده.

ورود به ناخودآگاه باشد. یک راهرو باریک می‌تواند نماد خفقان یا فشار اجتماعی باشد. حتی پله‌ها بار معنایی دارند: هرچه بالاتر می‌روی، به سمت آگاهی یا جنون نزدیک‌تر می‌شوی.

دنیای دروغین اما صادق

شاید پارادوکس‌گونه به نظر برسد، اما اکسپرسیونیسم از دروغ برای گفتن حقیقت استفاده می‌کند. واقع‌گرایی می‌خواهد واقعیت بیرونی را نشان دهد، اکسپرسیونیسم می‌خواهد واقعیت درونی را به تصویر بکشد. پس هرچه تحریف بیشتر، صداقت احساسی بیشتر. در یک صحنه از *Caligari*، مردی از راهرویی با زاویه‌های شکسته عبور می‌کند. اگر با منطق فیزیک نگاه کنیم، غیرممکن است - اما از نظر روانی کاملاً طبیعی است: ذهن مضطرب، در جهانی نامتعادل حرکت می‌کند.

تکنولوژی محدود، خلاقیت بی‌مرز

در آن زمان، هیچ افکت دیجیتالی یا نور حرفه‌ای نبود. اما محدودیت باعث نوآوری شد. فیلم‌سازان مجبور بودند با نقاشی، سایه و معماری صحنه، آنچه را می‌خواستند بسازند. به جای «واقعی‌تر



۳- بازیگری اغراق‌آمیز

بازیگر در این فیلم‌ها تئاتری رفتار می‌کند. چشم‌ها باز و خیره، حرکات کند و کش‌دار یا ناگهانی و خشونت‌آمیز. در واقع، بدن بازیگر هم بخشی از طراحی بصری است. چهره‌ی شخصیت خواب‌گرد، *Cesare*، مثل یک مجسمه‌ی زنده است: پوست سفید، حرکات مکانیکی، نگاه بی‌روح. او نماد انسانی است که از اختیار خالی شده، فقط ابزار اراده‌ی دیگری است - استعاره‌ای از مردمانی که در جامعه‌ی پساجنگ، احساس می‌کردند کنترل زندگی‌شان دست خودشان نیست.

۴- روان، رؤیا، جنون

داستان‌های این سبک معمولاً درباره‌ی ذهن ناپایدارند. شخصیت‌هایی که نمی‌دانند خواب‌اند یا بیدار، دیوانه‌اند یا عاقل. مرز بین واقعیت و خیال درهم می‌رود. در *Caligari*، راوی در پایان معلوم می‌شود خودش بیمار روانی است. پس آیا همه‌ی فیلم توی ذهن او بوده؟ این پرسش عمداً بی‌جواب می‌ماند، چون هدف فیلم این است که بیننده را هم دچار تردید کند.

۵- نمادگرایی بصری

در اکسپرسیونیسم، هر خط، شیء یا رنگ معنایی دارد. یک در چوبی ساده می‌تواند نماد

از قدرت‌های پنهان که ذهن‌ها را کنترل می‌کنند. در *Caligari*، همین ترس در قالب داستان دیده می‌شود: مردی به نام دکتر کالیکاری، که با کنترل ذهن خواب‌گردش، دیگران را به قتل وامی‌دارد. بسیاری از منتقدان معتقدند که این استعاره‌ای از «قدرت سیاسی مستبد» است - حکومت‌هایی که مردم را خواب می‌کنند و از آن‌ها ابزار جنایت می‌سازند. و جالب است: ده سال بعد، نازی‌ها قدرت گرفتند.

تأثیرات فراتر از آلمان

سبک اکسپرسیونیستی خیلی زود از مرزهای آلمان بیرون رفت. وقتی برخی از کارگردان‌ها به آمریکا مهاجرت کردند، نوپردازی و طراحی صحنه‌ی خاص خود را با خود بردند. نتیجه چه شد؟ پیدایش ژانر فیلم نوآر در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰. فیلم‌هایی مثل *The Maltese Falcon* یا *Double Indemnity* از همان نورهای تند و سایه‌های مورب استفاده کردند، ولی در قالب داستان‌های جنایی مدرن. حتی سینمای ترسناک هالیوود، از *Dracula* تا *Frankenstein*، به‌نوعی وام‌دار فضای اکسپرسیونیستی بودند. در دوره‌های بعد، کارگردان‌هایی مثل تیم برتون یا دیوید لینچ عملاً وارثان مستقیم این سبک‌اند. شهر گاتهام در *Batman Returns* با آن ساختمان‌های غول‌پیکر و سایه‌دار، دقیقاً حال‌وهوای متروپل موزنارو دارد. یا در *Eraserhead* لینچ، کابوس‌های صنعتی و ذهنی شخصیت، به‌روشنی اکسپرسیونیستی است - فقط با تکنولوژی قرن بیستم.

تأثیر روانی و فلسفی

در نگاه عمیق‌تر، اکسپرسیونیسم فقط درباره‌ی سبک بصری نیست؛ درباره‌ی ترس از کنترل شدن است. شخصیت‌های این فیلم‌ها اغلب عروسک‌اند؛ ذهنشان دست دیگری است. این «دیگری» می‌تواند جامعه، دولت، یا حتی ناخودآگاه خودشان باشد. به همین دلیل است که بسیاری از پژوهشگران، اکسپرسیونیسم را پیش‌درآمدی بر ظهور فاشیسم دانسته‌اند: مردمی که از ترس، اختیارشان را به قدرتی بیرونی می‌سپارند. زبان تصویر؛ بیان احساس به‌جای کلمه از آن‌جا که این فیلم‌ها صامت بودند، هر حس باید با تصویر منتقل می‌شد. اگر شخصیت مضطرب بود، دیوارها خم می‌شدند. اگر کسی احساس خفقان می‌کرد، راهرو تنگ‌تر می‌شد. سینما به معنای واقعی، زبان احساسات شد - نه با دیالوگ، بلکه با شکل و سایه. اکسپرسیونیسم؛ پلی به سوی مدرنیسم اکسپرسیونیسم در دهه‌ی ۱۹۲۰، پلی بود بین سینمای صامت و سینمای مدرن. با اینکه ظاهرش کهنه به نظر می‌رسد، اما روحش هنوز زنده است: در هر فیلمی که دنیای بیرونی به دنیای ذهنی تبدیل شود، ردی از اکسپرسیونیسم هست. از *Psycho* آلفرد هیچکاک تا *Black Swan* دارن آرنوفسکی، از *Nightmare Before Christmas* تا *Joker* ۲۰۱۹.

چرا هنوز مهم است؟

زیرا اکسپرسیونیسم به ما یاد داد سینما فقط آینه نیست، نقاشی روح است. واقع‌گرایی نشان می‌دهد چیزها چه شکلی هستند اما اکسپرسیونیسم می‌پرسد: ما چه احساسی نسبت به آن‌ها داریم؟ در جهانی که هر روز واقعی‌تر می‌شود - با گرافیک سه‌بعدی و وضوح ۸K هنوز فیلم‌هایی که ذهن را به تصویر می‌کشند، عمیق‌تر با ما حرف می‌زنند. شاید چون ذهن ما همیشه کمی تحریف‌شده است.

ریشه‌ی شکل‌گیری: از بوم نقاشی تا پرده‌ی سینما

واژه‌ی «اکسپرسیونیسم» از واژه‌ی انگلیسی Expression می‌آید، یعنی «بیان» یا «ابراز». در هنر، اکسپرسیونیسم یعنی نمایش احساسات درونی به‌جای تقلید از جهان بیرونی. در نقاشی، این را در آثار ادوارد مونک (جیغ)، یا گروه‌های آلمانی مثل *Die Brücke* و *Der Blaue Reiter* می‌دیدیم. هنرمند دیگر نمی‌خواست واقعیت را نقاشی کند، بلکه می‌خواست حس خودش از آن را بیان کند - حتی اگر لازم باشد همه‌چیز را تحریف کند. در سینما هم اما همین اتفاق افتاد، ولی با ابزاری متفاوت. چون در فیلم نه فقط رنگ و خط، بلکه نور، حرکت، فضا، چهره و صدا (البته در ابتدا فقط تصویر) در اختیار فیلم‌ساز بود. دهه‌ی ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ آلمان بعد از جنگ جهانی اول در بحران بود: شکست نظامی، تحریم‌ها، تورم، فقر و روحیه‌ی جمعی زخمی. مردم احساس می‌کردند دنیایشان از کنترل خارج شده. دولت جدید جمهوری وایمار سعی می‌کرد ثبات بیاورد، ولی کابوس هنوز زنده بود. در چنین فضایی، اکسپرسیونیسم بهترین راه بود برای نشان دادن ذهن آشفته‌ی انسان مدرن.

ویژگی‌های اکسپرسیونیسم در سینما

اگر بخواهیم سینمای اکسپرسیونیستی را از بقیه‌ی سبک‌ها جدا کنیم، باید دنبال یک چیز باشیم: دنیایی که از درون ذهن ساخته شده، نه از بیرون واقعیت. اما بگذارید جزئی‌تر بگوییم:

۱- دکور و طراحی صحنه تحریف‌شده

دیوارها زاویه ندارند، خیابان‌ها مثل مار می‌پیچند، درخت‌ها سایه‌های دندان‌دار دارند. هیچ چیز «درست» نیست - چون قرار نیست درست باشد. طراحان صحنه، خطوط پرسپکتیو را عمداً اشتباه می‌کشند تا چشم تماشاگر احساس ناآرامی کند.

برابر رای شماره ۱۴۰۶/۳۱۲۰/۹۰۰۷۳۶۶ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیه
ثبته اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز
صرفت مالکانه با معارضش با استحضار خاتم ملوک بهرامی نونکده فرزند محمدحساقم به شماره
۲۲۴۹۶۹۶۲۲۲ و شماره شناسنامه ۱۱۶ صادره کردگی در شنیدارنگ یک قطعه زمین
مزروعی به مساحت ۴۰۹۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۴۳ فرعی از ۴ اصلی واقع در
بخش نو در حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی نونکده، خریداری از مالک رسمی آقای شفیع
کیش نونکده مجوز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله
۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی
اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود
را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رای، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،
دخاوست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای
مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۷/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۲۷
مهدی شاه مهری- رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف: ۳۷۲

سازمان نظام آموزشی
جمهوری اسلامی ایران

ردیف	نوع ملک	شهر	نشانی	زیر بنا/متراژ (متر مربع)	پلاک ثبتی	قیمت پایه (کارشناسی)ریال	مبلغ تضمین شرکت در مزایده ریال
۱	مسکونی	رامسر	نبش ساحل ۱۳- برج نگین طبقه ۵	۸۳/۱۴	۲۷۷۸ فرعی از ۲۸ اصلی قطعه ۹۲ بخش ۵ ثبتی رامسر	۴۹/۸۸۴/۰۰۰/۰۰۰	۱/۴۹۶/۵۲۰/۰۰۰
۲	زمین	کلاله	خیابان اسحاق فولادی- نبش شرقی فولادی ۴	قطعه اول ۱۱۷/۸۵ قطعه دوم ۱۱۰/۶۰	اصلی ۳۳۵۴/۲۴۱/۱۳/۲۱۳) بخش ۹ حوزه ثبتی قطعه اول (۲۴۱/۱۳/۲۱۳) بخش ۹ ثبتی قطعه دوم)	۳۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۹۹۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	زمین	بندرگز	خیابان انقلاب- اواخر انقلاب ۱۴	۲۳۵	فاقد سن مالکیت	۳۵/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۷۵/۵۰۰/۰۰۰
۴	مسکونی	کردکوی	خیابان نواب نبش شرقی نواب ۲	۹۶/۶	۱۶۷۶ فرعی از پلاک ۱۲ اصلی بخش ۲ حوزه ثبتی کردکوی	۱۲/۰۷۵/۰۰۰/۰۰۰	۳۶۲/۲۵۰/۰۰۰

خرید آنلاین؛

آرامشی که بی صدا ما را بیمار می کند



تکنولوژیک یا عادت مصرفی جدید نیست؛ بلکه به شکلی نامحسوس بر سلامت جسمی خانواده‌ها اثر می‌گذارد. در گذشته همین فعالیت‌های کوچک روزانه مثل رفتن به نانوایی یا حمل کردن کیسه‌های خرید بخشی از تحرک روزمره ما بود، اما حالا با چند کلیک از بین رفته است. وقتی این حذف‌های کوچک کنار هم قرار می‌گیرند، نتیجه چیزی نیست جز کاهش متوالی سطح فعالیت بدنی. از سوی دیگر، نشستن طولانی مدت پای گوشی و لپ‌تاپ برای انتخاب کالا یا بررسی قیمت‌ها، ساعت‌های بیشتری از روز را به رفتارهای غیرفعال اختصاص می‌دهد. و مهم‌تر از همه، دسترسی آسان به غذاهای آماده و پرکالری که در همان اپلیکیشن‌ها عرضه می‌شود، باعث شده مرز بین خرید ضروری و مصرف راحت طلبانه از بین برود. این سه عامل در کنار هم مسیر روشنی به سمت افزایش وزن، چاقی و بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی کم‌تحرک هموار کرده‌اند؛ از بیماری‌های قلبی گرفته تا دیابت و اختلالات اسکلتی-عضلانی.

چه باید کرد؟

برای جلوگیری از این پیامدها، لازم است خرید آنلاین را نه به‌عنوان تهدید، بلکه به‌عنوان واقعیتی پذیرفته‌شده ببینیم که باید هوشمندانه مدیریت شود. در سطح فردی، خانواده‌ها می‌توانند تعادل ایجاد کنند؛ مثلاً پس از هر خرید آنلاین زمانی کوتاه را برای قدم‌زدن در نظر بگیرند. حتی ساده‌ترین کار مثل بالا رفتن از پله‌ها هنگام آوردن بسته به خانه می‌تواند به جبران بخشی از این کم‌تحرکی کمک کند. در کنار آن، عادت به سفارش غذاهای آماده باید با پخت غذاهای خانگی سالم متعادل شود؛ خرید آنلاین خواربار تازه می‌تواند فرصت خوبی برای تجربه آشپزی خانوادگی باشد. اما مسئولیت فقط بر دوش خانواده‌ها نیست. سیاست‌گذاران شهری و شرکت‌های بزرگ تجارت الکترونیک نیز نقش کلیدی دارند. آن‌ها می‌توانند خدمات تحویل را طوری طراحی کنند که مردم به تحرک بیشتر تشویق شوند؛ برای مثال ایجاد ایستگاه‌های تحویل محلی یا پیشنهادات «بسته‌های گروهی» که تعداد دفعات تحویل را کاهش می‌دهد و خانواده‌ها را به مدیریت فعال‌تر خرید تشویق می‌کند. همچنین ترکیب اپلیکیشن‌های خرید با برنامه‌های سلامت، مانند شمارش قدم‌ها یا توصیه‌های غذایی، می‌تواند خرید آنلاین را از یک تجربه کاملاً نشسته به فرصتی برای بهبود سبک زندگی تبدیل کند. در نهایت، اگرچه خرید آنلاین با خود راحتی و صرفه‌جویی در زمان به همراه دارد، اما تنها زمانی می‌توان از این مزایا بدون پرداخت هزینه‌های سنگین سلامتی بهره برد که نگاه خانواده‌ها و سیاست‌گذاران به آن هوشمندانه‌تر و آینده‌نگرانه‌تر باشد.

از اینترنت، به بالا رفتن نرخ اضافه‌وزن و کم‌تحرکی منجر شد. حتی با بازگشت زندگی به حالت عادی، بسیاری از عادت‌های راحت‌طلبانه دیجیتال باقی مانده‌اند.

روایت‌هایی از تغییر سبک زندگی خانواده‌ها

تغییرات خرید آنلاین در زندگی روزمره خانواده‌ها به‌خوبی قابل مشاهده است. خانواده‌هایی که تا چند سال پیش هر هفته برای خرید به بازارچه محلی می‌رفتند، امروز بیشتر نیازهای خود را از فروشگاه‌های اینترنتی دیگر تأمین می‌کنند. خرید حضوری برایشان تقریباً از بین رفته و حتی در وعده‌های غذایی بیشتر به سفارش آنلاین غذا روی آورده‌اند. در حومه شهرها، خانواده‌هایی که مسیرهای طولانی برای رسیدن به فروشگاه‌ها داشتند، برای صرفه‌جویی در وقت تقریباً همه خریدهایشان را اینترنتی کرده‌اند؛ هرچند این تغییر زمان بیشتری برای استراحت فراهم کرده، اما عملاً پیاده‌روی‌های هفتگی آن‌ها را حذف کرده است. در خانواده‌های دو شاغل نیز، استفاده از اشتراک‌های تکرارشونده برای خرید خواربار و سفارش لباس یا اسباب‌بازی آنلاین باعث شده حتی بچه‌ها کمتر به همراه والدین برای خرید بیرون بروند. آنچه زمانی فرصتی برای تحرک و بازی بود، حالا به تجربه‌ای تماماً مجازی تبدیل شده است.

وقتی راحتی خرید آنلاین، سلامت بدن را تهدید می‌کند

تمام آنچه درباره تغییر سبک خرید گفتیم در نهایت به یک نقطه مشترک می‌رسد: خرید آنلاین تنها یک نوآوری

نوعی تنبلی روزمره سوق داده است. حالا حتی در مواردی دیده می‌شود که با وجود قرار گرفتن سوپرمارکت در چند قدمی خانه، برخی ترجیح می‌دهند اقلام مورد نیازشان را اینترنتی سفارش دهند و منتظر تحویل درب منزل بمانند.

چگونه خرید آنلاین به «کاهش تحرک» می‌انجامد

همین راحتی خرید آنلاین مسیری تازه به سوی کاهش فعالیت بدنی گشوده است. دیگر خبری از قدم‌زدن‌های کوتاه برای خرید نان یا میوه نیست، سفرهای کوچک شهری به بازارچه‌ها جای خود را به تحویل درب منزل داده و زمان بیشتری از روز در خانه و پشت صفحه‌های دیجیتال سپری می‌شود. حتی دسترسی آسان به غذاهای آماده و امکان سفارش مکرر خوراک پرکالری، مصرف بیش از اندازه را تشویق می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گسترش اینترنت پرسرعت و خدمات دیجیتال با افزایش چاقی همبستگی دارد و یکی از مسیرهای اصلی آن همین کاهش تحرک روزمره و افزایش زمان نشستن است. داده‌های ملی در ایران نشان می‌دهد که شیوع اضافه‌وزن و چاقی در دهه اخیر به‌طور مستمر رو به افزایش بوده است. زنان و خانواده‌های شهری در استان‌های بزرگ بیشترین سهم این رشد را داشته‌اند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که اگر روند کنونی ادامه یابد، بار بیماری‌های ناشی از چاقی در آینده نزدیک بسیار سنگین‌تر خواهد شد. در سطح جهانی هم تجربه کرونا و قرنطینه‌ها یک آزمایش طبیعی بود: جهش خرید آنلاین در کنار کاهش شدید سفرهای روزمره و افزایش زمان استفاده

در چند سال اخیر، خرید آنلاین از یک انتخاب به عادت روزمره تبدیل شده است؛ عادت‌ی که هرچند زندگی را راحت‌تر کرده، اما به‌تدریج تحرک خانواده‌ها را کاهش داده و به افزایش وزن آن‌ها دامن زده است. به گزارش ایران‌زندگی، چند سال پیش، خرید برای خانواده‌ها چیزی بیش از پر کردن سبد کالا بود؛ فرصتی بود برای قدم‌زدن در کوچه و خیابان، ایستادن کنار دکه‌های میوه‌فروشی، چانه‌زدن بر سر قیمت‌ها و حتی نوعی تفریح آخر هفته. اما امروز صحنه عوض شده است. کافی است مادری در خانه پشت تلفن همراهش بنشیند و پدری در محل کارش سری به اپلیکیشن فروشنده‌ای بزند؛ چند کلیک ساده کافی است تا هرچه می‌خواهند، از پوشک بچه گرفته تا یک یخچال جدید، تنها چند ساعت بعد پشت در خانه حاضر باشند. تغییری که آرام و بی‌سروصدا اتفاق افتاد، سبک زندگی خانواده‌ها را بازنویسی کرد و شیوه خرید آن‌ها را به کلی دگرگون ساخت. این دگرگونی تنها محدود به ایران نیست. در سراسر جهان، سهم خرید آنلاین از کل خرده‌فروشی‌ها باشتابی سرسام‌آور در حال افزایش است. کشورهایی مانند آمریکا و چین پیش‌تاز این مسیرند و نزدیک به یک‌پنجم یا بیشتر از کل فروش خود را آنلاین انجام می‌دهند. در ایران هم گرچه سهم تجارت الکترونیک هنوز به اندازه میانگین جهانی بالا نیست، اما سرعت رشد چشمگیر است. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که بخش مهمی از خانواده‌های شهری برای خریدهای روزانه و حتی بزرگ‌تر به فروشگاه‌های اینترنتی روی آورده‌اند. این یعنی تغییراتی که در کشورهای پیشرفته سال‌ها قبل رخ داد، حالا در ایران هم با شدتی رو به افزایش در جریان است.

چرا خانواده‌ها بیشتر آنلاین می‌خرند؟

راحتی، مهم‌ترین دلیلی است که خانواده‌ها را به سمت خرید آنلاین کشانده است. والدینی که هر دو شاغل هستند و وقت زیادی برای خرید حضوری ندارند، ترجیح می‌دهند به جای تحمل ترافیک یا صف‌های طولانی فروشگاه، تنها چند دقیقه وقت صرف کنند و همه چیز را از طریق گوشی یا لپ‌تاپ سفارش دهند. تنوع بالای کالاها و امکان مقایسه سریع قیمت و کیفیت، یکی دیگر از جذابیت‌های این شیوه است؛ چیزی که در خرید حضوری به سختی به دست می‌آید. از سوی دیگر، تحویل سریع و پرداخت دیجیتال فرایند خرید را به تجربه‌ای ساده و بی‌دردسر بدل کرده است. به این ترتیب، فعالیت‌هایی که زمانی با پیاده‌روی، رفت‌وآمد یا حتی تعامل اجتماعی همراه بود، حالا به تجربه‌ای کاملاً خانگی و نشسته تبدیل شده است. با همه این مزایا، خرید آنلاین در عمل بسیاری از افراد را به سمت

منافع بستر فساد را فراهم می‌کند؛ سازمان بازرسی این موضوع را به مسئولان ارشد منعکس و پیگیری اصلاح آن را در دستور کار دارد. مدیرکل سازمان بازرسی گلستان همچنین درباره حمایت از تولیدکنندگان تاکید کرد: ما در حوزه حمایت قضائی و حقوقی از تولیدکنندگان فعالیت می‌کنیم و مشکلاتی که در صدور مجوز و زیرساخت‌ها وجود دارد را شناسایی و با ارسال گزارش به مراجع ذیربط پیگیری می‌کنیم. وی ادامه داد: واحد ویژه پیگیری پیشنهادهای سازمان بازرسی، روند اجرای آنها را زیر نظر دارد و در صورت عدم تمکین، مدیران متخلف به مراجع قضائی معرفی می‌شوند که ضمانت اجرای مؤثری برای اصلاح امور است. علی‌حانه بر اهمیت همکاری دستگاه‌های اجرایی و قوه قضائیه برای تحقق قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده نیز تاکید کرد و گفت که سازمان بازرسی در این حوزه نیز فعالانه نظارت می‌کند.

مدیرکل سازمان بازرسی گلستان گفت: با تمرکز بر پیشگیری و اصلاح امور، سازمان بازرسی در کاهش فساد و حمایت قضائی از تولیدکنندگان استان فعال است. به گزارش روابط عمومی، عبدالله آقا علیخانی اظهار کرد: وظیفه اصلی سازمان بازرسی نظارت جامع بر دستگاه‌های دولتی و عمومی است که تمرکز اصلی این سازمان در دوره تحول قوه قضائیه بر پیشگیری از فساد است. وی افزود: سازمان بازرسی علاوه بر برخورد با تخلفات، با ارائه پیشنهادهای اصلاحی به دستگاه‌ها در سطوح استانی و ملی، سعی در اصلاح رویه‌ها و قوانین دارد و این پیشنهادهای به‌طور مستمر پیگیری می‌شوند. علی‌حانه به موضوع تعارض منافع در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها اشاره کرد و گفت: از آنجا که شهرداری‌ها درآمد زیادی از جرایم ساختمانی دارند، جلوگیری از تخلفات ساختمانی به کاهش درآمد آنها منجر می‌شود و این تعارض

تمرکز بر پیشگیری از فساد و حمایت حقوقی از تولیدکنندگان